





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول محمد وعلى آله واصحابه أجمعين

مقدمہ

بدان استعدك الله تعالى في الدارين کہ بعد افعال متصرفہ عرب پر چار گونہ بہت
 ماضی و مضارع و امر و نہی۔ اما ماضی آن فعل را گویند کہ بزمان گذشتہ تعلق دارد چون فعل یعنی
 کرد و مضارع فعلی را گویند کہ بزمان حال استقبال علاقہ دارد و چون یفعل یعنی میکند یا
 خواہد کرد و امر فعلی است کہ بدان کسی را بکاری میفرمایند چون افعل یعنی کن و نہی فعلی باشد کہ
 کہ از آن کسی را از کاری باز میدارند چون لا تفعل یعنی مکن و بر یک ازین چهار فعل دو قسم است
 معروف و مجهول اما معروف فعلی است کہ فاعلش ظاہر باشد چون ضرب زيد یعنی زد و زيد
 و مجهول فعلی است کہ فاعل آن ظاہر نباشد چون ضرب زيد یعنی زدہ شد و زيد نیز بر یک

از ماضی و مضارع بر دو نوع است مثبت و منفی اما مثبت فعلی بود که از فاعل صادر شده باشد
 چون فعل یعنی کرده منفی فعلی باشد که از فاعل صادر شده باشد چون ما فعل یعنی کرده
 باید دانست که جمیع افعال لغوی فعل موزون کرده میشوند پس هر حرف که بجای آید
 از الفا کلمه هر حرف که بجای آید از این کلمه هر حرف که بجای آید از لام کلمه میگویند
 بیشتر باید دانست که فعل را فاعل میباید و فاعل بر قسم فاعل و فاعله و متکلم و هر یک از این
 بر دو قسم است مکرر و موش و هر یک از این دو بر سه قسم است واحد و ثنی و جمع پس
 فعل حسب ضمیر فاعل فعل اندر مرتب میشود ضمیر است

جمع	ثنیة	HYDERABAD STATE LIBRARY	تن بکران
هُم	هُمَا		انْت
آنهمه مردان	آن دو مرد		تو یکمرد
هُنَّ	هُمَا		أَنْتِ
آنهمان	آن دو زن		تو یکزن
أَنْتُمْ	أَنْتُمَا		
شما همه مردان	شما دو مرد		
أَنْتُنَّ	أَنْتُمَا		
شما همه زنان	شما دو زن		

انسا

نَحَس

من بگرد با یک زن

ماورد با او در هر یک ما مرد با یک زن

فصل در بیان فعل ماضی

باید دانست که در فعل ماضی معروف بر فا کله همیشه فتحه میباشد و عین کله را بر سه حرکت می آید و لام کله را در چهار صیغه فتحه میباشد و در یک صیغه ضمیه و در باقی صیغه ها سکون میباشد

صرف فعل ماضی مثبت معروف

فعلوا
گردانیدم مردان در زمان

فعلنا
گردانیدم دوم در زمان

فعل
گردانیدم مرد در زمان

فعلن
گردانیدم زن در زمان

فعلنا
گردانیدم زن در زمان

فعلت
گردانیدم زن در زمان

فعلکم
گردانیدم شما مردان در زمان

فعلتکم
گردانیدم شما در زمان

فعلت
گردانیدم تو یک در زمان

فعلن
گردانیدم شما در زمان

فعلتکم
گردانیدم شما در زمان

فعلت
گردانیدم تو یک در زمان

صرف فعل ماضی منفی معروف		
مَفْعَلُوا	مَفْعَلَا	مَفْعَلْتُمْ <i>مفعلتیم و مفعلتان و مفعلتان</i>
مَفْعَلْتُمْ	مَفْعَلْتَا	مَفْعَلْتِ
مَفْعَلْتُمْ	مَفْعَلْتَا	مَفْعَلْتِ
مَفْعَلْتُمْ	مَفْعَلْتَا	مَفْعَلْتِ
مَفْعَلْتُمْ	مَفْعَلْتَا	مَفْعَلْتِ
مَفْعَلْتُمْ	مَفْعَلْتَا	مَفْعَلْتِ
صرف فعل ماضی منفی مجهول		
مَفْعَلُوا	مَفْعَلَا	مَفْعَلْتُمْ <i>مفعلتیم و مفعلتان و مفعلتان</i>
مَفْعَلْتُمْ	مَفْعَلْتَا	مَفْعَلْتِ

مَا فَعَلْتُمْ	مَا فَعَلْنَا	مَا فَعَلْتُكَ
مَا فَعَلْتَنَ	مَا فَعَلْنَا	مَا فَعَلْتِ
مَا فَعَلْنَا	مَا فَعَلْتُ	
فصل در بیان فعل مضارع		
<p>چون بر فعل ماضی علامت مضارع آری فعل مضارع شود و علامت مضارع چهار حرف است آتی که مجموع و آتین است فاکلمه ساکن میشود و عین کلمه را هر سه حرکت می آید و لام کلمه در چهار صیغه مرفوع باشد و در آخر پنج صیغه نون اعرابی می آید و علامت مضارع در معروف مفتوح میباشد</p>		
عرف فعل مضارع مثبت معروف		
<p>یَفْعَلُونَ</p> <p>میکنند یا خواهند کرد آن در زمان حال و آن در زمان آینده</p>	<p>یَفْعَلُونَ</p> <p>میکنند یا خواهند کرد آن در زمان حال و آن در زمان آینده</p>	<p>یَفْعَلُ</p> <p>میکنند یا خواهند کرد آن در زمان حال و آن در زمان آینده</p>
<p>یَفْعَلْنَ</p> <p>میکنند یا خواهند کرد آن در زمان حال و آن در زمان آینده</p>	<p>یَفْعَلْنَ</p> <p>میکنند یا خواهند کرد آن در زمان حال و آن در زمان آینده</p>	<p>یَفْعَلُ</p> <p>میکنند یا خواهند کرد آن در زمان حال و آن در زمان آینده</p>

در این بخش از کتاب در خصوص مضارع و علامت آن توضیح داده شده است
 در این بخش از کتاب در خصوص مضارع و علامت آن توضیح داده شده است
 در این بخش از کتاب در خصوص مضارع و علامت آن توضیح داده شده است

تفعلون تفعلون تفعلون تفعلون تفعلون تفعلون	تفعلان تفعلان تفعلان تفعلان تفعلان تفعلان	تفعل تفعل تفعل تفعل تفعل تفعل
--	--	--

چون علامت مضارع را ضم در بی و عین کار یافته کنی اگر توه نباشد مضارع مجهول کرده

مضارع مثبت مجهول

تفعلون تفعلون تفعلون تفعلون تفعلون تفعلون	تفعلان تفعلان تفعلان تفعلان تفعلان تفعلان	تفعل تفعل تفعل تفعل تفعل تفعل
--	--	--

<p>نقعل</p> <p>نقعل کرده بشوم یا کرده خواهم یا کرده باشم یا کرده بودم یا کرده باشم</p>	<p>انقعل</p> <p>انقعل کرده بشوم یا کرده خواهم یا کرده باشم یا کرده بودم یا کرده باشم</p>
<p>چون مضارع مثبت حرف کایا ماضی مضارع منفی شود</p>	

صرف فعل مضارع منفی معروف

<p>لاَ يَفْعَلُونَ</p>	<p>لاَ يَفْعَلَانِ</p>	<p>لاَ يَفْعَلُونَ</p> <p><small>نمیکنند یا نخواهند کرد آن یکم و در زمان</small></p>
<p>لاَ يَفْعَلَنْ</p>	<p>لاَ يَفْعَلَانِ</p>	<p>لاَ تَفْعَلُ</p>
<p>لاَ تَفْعَلُونَ</p>	<p>لاَ تَفْعَلَانِ</p>	<p>لاَ تَفْعَلُ</p>
<p>لاَ تَفْعَلَنْ</p>	<p>لاَ تَفْعَلَانِ</p>	<p>لاَ تَفْعَلِينَ</p>
<p>لاَ تَفْعَلُوا</p>	<p>لاَ تَفْعَلُوا</p>	<p>لاَ تَفْعَلُنَّ</p>

صرف فعل مضارع منفی مجهول

لَا يَفْعَلُونَ	لَا يَفْعَلَانِ	لَا يَفْعَلُونَ
لَا يَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلُنَّ
لَا تَفْعَلُونَ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلُونَ
لَا تَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلِينَ
لَا تَفْعَلُوا	لَا تَفْعَلُوا	لَا تَفْعَلُوا
چون حرف لن بر مضارع آری منفی موکد بلن شود و لن آخر چهار صیغه مذکور را گنجد و از آخر پنج صیغه نون اعرابی را بیندازد و مضارع مثبت را منفی مستقبل نماید یعنی در آن معنی حاصل نمی ماند		
صرف مضارع منفی موکد بلن		
لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا

لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا
لَنْ تَفْعَلُوا	لَنْ تَفْعَلُوا	لَنْ تَفْعَلُوا
لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا
لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا
<p>صرف فعل مضارع مجہول منفی موکد میں</p>		
لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا
لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا
لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا	لَنْ يَفْعَلُوا

لَنْ تَفْعَلُوا	لَنْ تَفْعَلُوا	لَنْ تَفْعَلُوا
لَنْ تَفْعَلُوا	لَنْ تَفْعَلُوا	لَنْ تَفْعَلُوا
<p>چون لم بر مضارع باشد و منفی محذوم گردد و لم در آخر چهار صیغه مذکور جزم میکند اگر حرف علت نباشد و اگر باشد میگذرد و حرف علت اندوه او و الف و با از آن پنج صیغه نون بر میآید و در کتابیست</p>		
<p>صرف فعل مضارع معروف منفی محذوم</p>		
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلُوا

لَمْ يَفْعَلْ	لَمْ يَفْعَلْ
صرف فعل مضارع مجهول منفی حدیثی	
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلَا
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلَا
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلَا
لَمْ يَفْعَلُوا	لَمْ يَفْعَلَا
لَمْ يَفْعَلْ	لَمْ يَفْعَلْ

لَمْ يَفْعَلُوا
نکرده شدن کاری و صیغه اول جمع

چون لام تأکید در اول مضارع و نون تأکید در آخر آن در آری مضارع موكد ميشود و لام تأکید
مفتوح میباشند و نون تأکید و قسم است ثقیله و خفیفه ثقیله که مشدود است لام کار را در چهار
خفیفه مذکور نسبت میکند و در صیغهای ثنی و واحد نون حاضر نون لغوی را ساقط کرده اند

دو او جمع مذکر انداخته تا قبلش ضمید بود یعنی دو لغت نوشت حاضر انداخته تا قبلش کسر میکند
 در میان نون تا کید و نون جمع عاقله حاضر الف فاصل بسیار در نون *ن* می آید اگر بعد از
 الف تشبیه با الف فاصل آید کسور می آید و مضارع را مخصوص با استقبال کرده اند

صرف فعل مضارع مثبت معروف مکرر بلا م تا کید و نون ثقیله

لِفْعَلَانِ

لِفْعَلَانِ

لِفْعَلَانِ

لِفْعَلَانَا

لِفْعَلَانَا

لِفْعَلَانَا

لِفْعَلَانِي

لِفْعَلَانِي

لِفْعَلَانِي

لِفْعَلَانَا

لِفْعَلَانَا

لِفْعَلَانَا

لِفْعَلَانِي

لِفْعَلَانِي

صرف فعل مضارع مثبت مجهول مکرر بلا م تا کید و نون ثقیله

لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ
لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ
لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ
لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ
لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ

نوزن جفیفه که ساکن می باشد حکم نون ثقیله دارد و در پنج صیغه تنزیه که در دو جمع مذکر است لایسز

صرف فعل مضارع مثبت معمر و نون بلا تا که اول نوزن جفیفه

لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ
لَيُفْعَلَنَّ	لَيُفْعَلَنَّ

تَفَعَّلَ	”	تَفَعَّلَ
”	”	تَفَعَّلَ
تَفَعَّلَ	”	لَا تَفَعَّلَ
<p>صرف فعل مضارع مثبت مجهول بلام تانكيد و نون خفيفه</p>		
تَفَعَّلَ	”	تَفَعَّلَ
”	”	تَفَعَّلَ
تَفَعَّلَ	”	تَفَعَّلَ
”	”	تَفَعَّلَ
تَفَعَّلَ	”	لَا تَفَعَّلَ

صرف فعل مضارع مثبت مجهول بلام تانكيد و نون خفيفه

فصل در بیان امر

چون خواهی که امر بنا کنی برای غائب مشکلم معروف لام الامر که کسور میباشند بر مضارع و آری
 لیکن برای امر حاضر معروف لام امر باری بلکه علامت مضارع را بکنی و بجای آیه هزده
 و وصل باری پس اگر عین کلمه مضوم بود هزده نیز مضوم بود چون انصی از تنصی و اگر آن
 مفتوح یا کسور یا هزده کسور باشد چون افح از تفح و اضرب از تضرب و اگر
 بعد حذف علامت مضارع فاکلمه متحرک بود حاجت هزده نیست چون عدل از تعدل و
 در امر لام کلمه در چهار صیغه یعنی دو صیغه واحد غائب مذکر و مونث و دو صیغه شکم مضوم
 شود و اگر در آخرش صرف علت باشد باقی افتد و نون اعرابی حذف گردد و در مجموع این همه غیر لام امر کسور می

صرف امر غائب معروف

یَفْعَلُوا کو که میکنند آنهم مردان	يَفْعَلُونَ کو که میکنند آنهم مردان	يَفْعَلُونَ کو که میکنند آنهم مردان
لَيَفْعَلُنَّ کو که میکنند آنهم زنان	لَيَفْعَلْنَ کو که میکنند آنهم زنان	لَيَفْعَلْنَ کو که میکنند آنهم زنان

صرف امر حاضر معروف

افْعَلُوا بکنید شما مردان	افْعَلُوا بکنید شما مردان	افْعَلُوا بکنید شما مردان
افْعَلُوا بکنید شما مردان	افْعَلُوا بکنید شما مردان	افْعَلُوا بکنید شما مردان

<p>اِفْعَلْنَ گردد شما هر زمان</p>	<p>اِفْعَلَا گردد شما هر روز</p>	<p>اِفْعَلِي گردد من هر روز</p>
<p>صرف امر متکلم معروف</p>		
<p>لِنَفْعَلِ گردد ما هر روز یا هر روزی</p>	<p>لَا فَعَلْ گردد من هر روز</p>	
<p>صرف فعل امر مجهول</p>		
<p>لِيَفْعَلُوا گردد آن هر روز</p>	<p>لِيَفْعَلَا گردد آن هر روز</p>	<p>لِيَفْعَلِ گردد آن هر روز</p>
<p>لِيَفْعَلْنَ گردد شما هر زمان</p>	<p>لِيَفْعَلَا گردد شما هر روز</p>	<p>لِيَفْعَلِي گردد من هر روز</p>
<p>لِيَفْعَلُوا گردد شما هر روز</p>	<p>لِيَفْعَلَا گردد شما هر روز</p>	<p>لِيَفْعَلِ گردد من هر روز</p>
<p>لِيَفْعَلْنَ گردد شما هر زمان</p>	<p>لِيَفْعَلَا گردد شما هر روز</p>	<p>لِيَفْعَلِي گردد من هر روز</p>
<p>لِنَفْعَلِ گردد ما هر روز یا هر روزی</p>	<p>لَا فَعَلْ گردد من هر روز</p>	

در امر معروف و مجهول بر دو نون ثقیله و خفیفه نیز آید در احکام همه این صیغها مضارع باشد

صرف امر غائب معروف موکد با نون ثقیله

لِیَفْعَلَنَّ

لِیَفْعَلَانِ

لِیَفْعَلَنَّ
بر این صیغه که در امر غائب معروف موکد با نون ثقیله است

لِیَفْعَلَنَّكَ

لِیَفْعَلَانِ

لِیَفْعَلَنَّ

امر حاضر معروف موکد با نون ثقیله

اِفْعَلَنَّ

اِفْعَلَانِ

اِفْعَلَنَّ
بر این صیغه که در امر حاضر معروف موکد با نون ثقیله است

اِفْعَلَنَّكَ

اِفْعَلَانِ

اِفْعَلَنَّ

امر متکلم موکد با نون ثقیله

لِنَفْعَلَنَّ
بر این صیغه که در امر متکلم موکد با نون ثقیله است

لِنَفْعَلَنَّ
بر این صیغه که در امر متکلم موکد با نون ثقیله است

صرف مجهول با نون ثقیله

<p>لِفَعَلَنَّ</p>	<p>لِفَعَلَنَّ</p>	<p>لِفَعَلَنَّ بر این لفظ که در لغت آمده آن یک مرتبه</p>
<p>لِفَعَلَنَّكَ</p>	<p>لِفَعَلَنَّكَ</p>	<p>لِفَعَلَنَّكَ</p>
<p>لِفَعَلَنَّ</p>	<p>لِفَعَلَنَّ</p>	<p>لِفَعَلَنَّ بر این لفظ که در لغت آمده شش مرتبه</p>
<p>لِفَعَلَنَّكَ</p>	<p>لِفَعَلَنَّكَ</p>	<p>لِفَعَلَنَّكَ</p>
<p>لِفَعَلَنَّ</p>	<p>لِفَعَلَنَّ</p>	<p>لِفَعَلَنَّ بر این لفظ که در لغت آمده شش مرتبه</p>
<p>حرف امر غائب معروف بانون حقیقه</p>		
<p>لِفَعَلَنَّ</p> <p>"</p>	<p>"</p> <p>"</p>	<p>لِفَعَلَنَّ بر این لفظ که در لغت آمده یک مرتبه</p> <p>لِفَعَلَنَّ</p>
<p>امر حاضر معروف بانون حقیقه</p>		

<p>إِفْعَلْنَ</p>	<p>"</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِفْعَلْنَ برای اینکه بگویند تو یک صفت واحد مذکر</p>
<p>"</p>	<p>"</p>	<p>إِفْعَلْنَ</p>

امر متکلم معروف بالنون تخفیفه

<p>لِنَفْعَلْنَ</p>	<p>"</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِنَفْعَلْنَ برای اینکه بگویند من یکم مذکر یا یکم</p>
---------------------	----------	--

صرف امر مجبول بالنون تخفیفه

<p>لِيَفْعَلْنَ</p>	<p>"</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِيَفْعَلْنَ برای اینکه بگویند که شوقین یکم مذکر</p>
<p>"</p>	<p>"</p>	<p>لِنَفْعَلْنَ</p>

<p>لِيَفْعَلْنَ</p>	<p>"</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِيَفْعَلْنَ برای اینکه بگویند شوقین یکم صفت واحد</p>
---------------------	----------	--

<p>"</p>	<p>"</p>	<p>لِنَفْعَلْنَ</p>
----------	----------	---------------------

لَنْفَعَلَ

لَانْفَعَلَ

بر کسی که در دنیا و آخرت سودمند است

بر کسی که در دنیا و آخرت سودمند است

فصل در بیان ن

اگر خواهی بنویسی یا نوی بر مضارع در آراء بنی چون بر مضارع و باید در آخر چنانچه
جزم میکند اگر حرف علت باشد یا بیفتد و از پنج صیغه نون لغوی ساقط گرداند و معنی آن با
معنی بنی گرداند و نون ثقیله و خفیفه در آخر بنی آوردن نیز در او است

صرف بنی معروف

لَانْفَعَلَ
گو کند آن یک مرد صیغه
لَانْفَعَلْنَ
گو کند آن چهار زن صیغه

لَانْفَعَلَا
گو کند آن دو مرد
لَانْفَعَلَا
گو کند آن دو زن صیغه

لَانْفَعَلُ
گو کند آن یک مرد صیغه
لَانْفَعَلْنَ
گو کند آن یک زن صیغه

لَانْفَعَلُوا
گو کند شما مردان صیغه
لَانْفَعَلْنَ
گو کند شما زنان صیغه

لَانْفَعَلَا
گو کند شما دو مرد صیغه
لَانْفَعَلَا
گو کند شما دو زن صیغه

لَانْفَعَلُ
گو کند تو یک مرد صیغه
لَانْفَعَلْنَ
گو کند تو یک زن صیغه

لَانْفَعَلْ
گو کند تو مردان صیغه
لَانْفَعَلْنَ
گو کند تو زنان صیغه

لَانْفَعَلَا
گو کند شما دو مرد صیغه
لَانْفَعَلَا
گو کند شما دو زن صیغه

لَانْفَعَلُ
گو کند تو یک مرد صیغه
لَانْفَعَلْنَ
گو کند تو یک زن صیغه

<p style="text-align: center;">لا يَفْعَلُ گو که نشود من نکرد و دیگران لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>		
<p>صرف بنه مجهول</p>		
<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>
<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>
<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>
<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>
<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>	<p>لا يَفْعَلُونَ گو که نشود او در و بافتان با بجز زمان</p>
<p>نهی معروف بالوزن نفي</p>		
<p>لا يَفْعَلَنَّ گو که نشود نهی</p>	<p>لا يَفْعَلَنَّ گو که نشود نهی</p>	<p>لا يَفْعَلَنَّ گو که نشود نهی</p>

لَا يَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

بهر کسی که در این امر
باز آید مکن تو کرد صیغه
لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

بهر کسی که در این امر
باز آید مکن تو کرد صیغه
لَا تَفْعَلَنَّ

بهر کسی که در این امر
باز آید مکن تو کرد صیغه
لَا تَفْعَلَنَّ

لَا يَفْعَلَنَّ

بهر کسی که در این امر
باز آید مکن تو کرد صیغه
لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

بهر کسی که در این امر
باز آید مکن تو کرد صیغه
لَا تَفْعَلَنَّ

لَا يَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

بهر کسی که در این امر
باز آید مکن تو کرد صیغه
لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

لَا تَفْعَلَنَّ

<p>لا تَفْعَلَنَّ</p> <p>برای نهی که در صورتی که در بیان امر یا نهی است</p>	<p>لا تَفْعَلَنَّ</p> <p>برای نهی که در صورتی که در بیان امر یا نهی است</p>
<p>نهی معروف با تون خفیفه</p>	
<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>	<p>لا تَفْعَلَنَّ</p> <p>برای نهی که در صورتی که در بیان امر یا نهی است</p>
<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>	<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>
<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>	<p>لا تَفْعَلَنَّ</p> <p>برای نهی که در صورتی که در بیان امر یا نهی است</p>
<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>	<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>
<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>	<p>لا تَفْعَلَنَّ</p> <p>برای نهی که در صورتی که در بیان امر یا نهی است</p>
<p>نهی مجرول با تون خفیف</p>	
<p>لا تَفْعَلَنَّ</p>	<p>لا تَفْعَلَنَّ</p> <p>برای نهی که در صورتی که در بیان امر یا نهی است</p>

لَا تَفْعَلْنَ

بر آید کرده مشورتی کرد و عیناً

لَا تَفْعَلْنَ

لَا تَفْعَلْنَ

لَا تَفْعَلْنَ

بر آید کرده نشوم بن کرد

لَا تَفْعَلْنَ

بر آید کرده نشوم بن کرد

لَا تَفْعَلْنَ

فصل در بیان اسما

اسم فاعل کننده فعل را میگوید و وزن او فاعِل است و اسم مفعول نیز کرده شده
برای نامند و وزنش مفعول است و اسم جابجاء یا وقت کار کردن را میخوانند
و وزن او مفعول است و واسطه فعل را گویند که بدان کار کنند و برای نوشتن در آخر این اسما
زیاده میکنند و اسم تفضیل زیاده گفته کار اینچو اندوزش افضل است و برای نوشتن

صرف اسم فاعل

فَاعِلٌ

فَاعِلُونَ

فَاعِلَانِ

فَاعِلٍ

فَاعِلٌ: فاعل است یا فاعله
فَاعِلُونَ: فاعلین است یا فاعلین
فَاعِلَانِ: فاعلان است یا فاعلان
فَاعِلٍ: فاعل است یا فاعله

<p>فَاعِلَاتٌ</p> <p>فَاعِلَاتٌ</p> <p>فَاعِلَاتٌ</p>	<p>فَاعِلَاتٌ</p> <p>فَاعِلَاتٌ</p> <p>فَاعِلَاتٌ</p>	<p>فَاعِلَاتٌ</p> <p>فَاعِلَاتٌ</p> <p>فَاعِلَاتٌ</p>
<p>حرف اسم مفعول</p>		
<p>مَفْعُولُونَ</p> <p>مَفْعُولُونَ</p> <p>مَفْعُولُونَ</p>	<p>مَفْعُولَانِ</p> <p>مَفْعُولَانِ</p> <p>مَفْعُولَانِ</p>	<p>مَفْعُولٌ</p> <p>مَفْعُولٌ</p> <p>مَفْعُولٌ</p>
<p>مَفْعُولَاتٌ</p> <p>مَفْعُولَاتٌ</p> <p>مَفْعُولَاتٌ</p>	<p>مَفْعُولَاتٌ</p> <p>مَفْعُولَاتٌ</p> <p>مَفْعُولَاتٌ</p>	<p>مَفْعُولَةٌ</p> <p>مَفْعُولَةٌ</p> <p>مَفْعُولَةٌ</p>
<p>حرف اسف</p>		
<p>مَفَاعِلٌ</p> <p>مَفَاعِلٌ</p> <p>مَفَاعِلٌ</p>	<p>مَفْعَلَانِ</p> <p>مَفْعَلَانِ</p> <p>مَفْعَلَانِ</p>	<p>مَفْعَلٌ</p> <p>مَفْعَلٌ</p> <p>مَفْعَلٌ</p>
<p>مَفَاعِلٌ</p> <p>مَفَاعِلٌ</p> <p>مَفَاعِلٌ</p>	<p>مَفْعَلَانِ</p> <p>مَفْعَلَانِ</p> <p>مَفْعَلَانِ</p>	<p>مَفْعَلٌ</p> <p>مَفْعَلٌ</p> <p>مَفْعَلٌ</p>
<p>مَفَاعِلٌ</p> <p>مَفَاعِلٌ</p> <p>مَفَاعِلٌ</p>	<p>مَفْعَلَاتٌ</p> <p>مَفْعَلَاتٌ</p> <p>مَفْعَلَاتٌ</p>	<p>مَفْعَلَةٌ</p> <p>مَفْعَلَةٌ</p> <p>مَفْعَلَةٌ</p>

مَفَاعِلٌ	مَفْعَاكِنِ	مَفْعَالٌ
یک کار کردن صیغه واحد	دو کار کردن صیغه شکیه	آلای کن صیغه جمع

صرف اسم تفضیل

افعل	افعلان	افعلون	وافاعل
بیارکنده یک	بیارکنندگان	بیارکنندگان	بیارکنندگان
فعلی	فعلیان	فعلیات	و فعل
بیارکنده یک	بیارکنندگان	بیارکنندگان	بیارکنندگان

تمت المیزان

۸۹ ۱۲

کتب محمد عبدالعزیز



۵۹	۵۴	کتابخانه مجلس شورای ملی
-	۵	کتابخانه مجلس شورای ملی